



21 جنوری 2018

داکتر سید عبدالله کاظم

مختصری درباره تاریخچه لویه جرگه ها در افغانستان

(بخش بیست و یکم)

9 - لویه جرگه ها پس از سقوط طالبان و رویکار آمدن نظام جدید:

سقوط طالبان - سرآغاز یک دوره جدید:

به هر اندازه که طالبان در افغانستان بیشتر مسلط شدند و قوه های مخالف را خلع سلاح و در خود مدغم کردند، به همان اندازه حرص شان برای حفظ قدرت زیادتر گردید و برفشار نظامی خود افزودند. آنها چون ماهیت ایدئولوژیک نداشتند و فاقد دانش سیاسی لازم بودند، بسیار زود در دام گروه های دیوبندی پاکستان وزیر نفوذ عربها و سازمان القاعده مخصوصاً شخص اسامه بن لادن قرار گرفتند و در عین زمان روابط خاص را با مافیای قاچاق مواد مخدره و قاچاق مال التجاره پاکستان برقرار کردند. از اینجاست که تفکر سیاسی طالبان در مسائل بین المللی به سمت ضدیت با غرب و جامعه مدنی، ناسازگاری با اصول و نورمهای جهانی، پیوند با افراطیون ملیشائی اسلامی، پناه دادن به تروریستها، شراکت با قاچاقیان و تعصب و تنگ نظری خاص زیر نام اسلام کشانیده شد. عاقبت کار بجائی رسید که حامیان اول شان تدریجاً به دشمنان آخرشان تبدیل شدند و همانطوریکه در عروج آنها نقش بازی کردند، زمینه های سقوط شانرا نیز فراهم نمودند.

در سال 1377 (1998م) حوادثی رخ داد که روابط طالبان و امریکا را برهم زد و امیدی را که موجب دل بستگی امریکا به طالبان شده بود، به یاس مبدل کرد. امریکائی ها مکرراً به طالبان هوشدار میدادند تا از پناه دادن و حمایت اسامه بن لادن که متهم به چندین عملیات تروریستی علیه امریکا و تهدید علنی امریکائی ها بمرگ بود، دوری جویند و موصوف را جهت محاکمه به امریکا بسپارند، ولی طالبان به این اخطارها کمترین توجه و اعتنا نکردند. امریکا بتاريخ 16 سرطان 1378 (6 جولای 1999م) در برابر طالبان به وضع تعزیرات اقتصادی متوسل شد. بتاريخ 15 اکتوبر همان سال شورای امنیت ملل متحد نیز بار اول تعزیرات را بر طالبان نافذ ساخت و سال بعد بر وسعت ساحه و شدت اجرای آن افزود. بدون شک قدم بعدی، همانا اقدامات نظامی بود که برفحوای ماده 42 منشور ملل متحد علیه طالبان از طرف شورای امنیت باید به منصفه اجرا قرار می گرفت، ولی حادثه 11 سپتمبر 2001 اوضاع را به یکبارگی تغییر داد و امریکا را بسوی اقدامات عاجل نظامی کشانید. (برای شرح مزید دیده شود: کاظم، سید عبدالله - "وضع تعزیرات بر طالبان و معضله افغانستان"، نیویارک، 2001، صفحه 53 تا 85)

دراثر حادثه فاجعه بار 11 سپتمبر دو آسمان خراش بزرگ مرکز تجارت جهانی در نیویارک سقوط کردند و یک قسمت ساختمان وزارت دفاع امریکا پنتاگون ویران گردید و بر علاوه ملیاردها دالر خساره مالی، بیش از سه هزار انسان بیگناه در این تراژیدی جان دادند. این اولین بار بود که امریکا در داخل کشور با یک فاجعه مرگبار و یک عمل تروریستی مدهش و بزرگ مواجه می شد. وقوع این

د پانو شمیره: له 1 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پاڼوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

حادثه مثل انفجار یک بمب اتمی در جهان پیچید و زنگهای خطر تروریسم را در همه جا صدا درآورد.

جارج بوش رئیس جمهور آنوقت امریکا در همان روز حادثه اعلام کرد که امریکا مسئولین فاجعه و کسانیرا که به این تروریستها پناه داده اند، به پای میز محاکمه خواهد کشانید. روز بعد وزیر خارجه امریکا مسئولیت حادثه را بدوش سازمان القاعده و در راس آن اسامه بن لادن انداخت و از طالبان بار دیگر تقاضا کرد تا اسامه را جهت محاکمه به امریکا بسپارند. طالبان مثل گذشته به این تقاضا وقعی نگذاشتند و داستان همیشگی خود را تکرار کردند، اما مقامات امریکائی این بار جدی و مصمم بودند و از همان روزهای اول موضوع حمله نظامی برافغانستان را به منظور فروپاشی سازمان القاعده و سقوط رژیم طالبان در نظر داشتند. امریکائی ها نخست کوشیدند تا مبارزه علیه تروریسم را وجه جهانی دهند و حمایت و اشتراک مساعی کشورهای جهان را در این مورد حاصل کنند که به سهولت و سرعت به آن دست یافتند. شورای امنیت ملل متحد نیز با اقدام امریکا علیه تروریسم هم صدا شد و بزودی جبهه ضد تروریسم در جهان وسعت پیدا کرد.

امریکا با جلب توافق بعضی کشورهای منطقه و همکاری پاکستان و ازبکستان بتاريخ 15 میزان 1380 (7 اکتوبر 2001م) اولین حمله نظامی خود را از طریق هوا به افغانستان در ساحات تحت تسلط طالبان آغاز کرد. وضع متشنج و پیچیده سیاسی پاکستان و شدت عکس العمل های افراطیون اسلامی آنجا بر علیه حملات امریکا در افغانستان، خطر برهم خوردن اوضاع و احتمال ایجاد نا آرامی ها را در آنکشور می افزود. لذا امریکا نخواست با این حالت، حملات را از طریق پاکستان از جنوب افغانستان آغاز کند، بلکه با ازبکستان به تماس شد و حملات را از طریق آنکشور از شمال با دستگیری مستقیم قوه های ضد طالبان در افغانستان یعنی جناحهای مختلف جبهه متحد شمال شروع کرد.

قوای هوائی امریکا در قدم اول عملیات خود را بر فروپاشی کامل قوای هوائی طالبان متمرکز ساخت و سپس مراکز تجمع قوای طالبان و القاعده را در شمال کشور زیر آتش گرفت. در اینجا نیروهای پراکنده جبهه متحد شمال با استفاده از مساعدت اوضاع و حمایت مستقیم امریکا رو به پیشرفت گذاشتند و قدم بقدم با شکست و عقب نشینی قوای طالبان، اراضی از دست رفته آنها را متصرف شدند. تا آنکه بتاريخ 9 نوامبر 2001 شهر مزار شریف سقوط کرد و بعد از آن اکثر ولایات شمال از تصرف طالبان خارج گردید و آن ساحات به تصرف قوای جبهه متحد شمال درآمد. بتاريخ 12 نوامبر طالبان بطور غیر مترقب شهر کابل را ترک کردند، عده ای بسوی قندهار رفتند و عده ای دیگر پا بفرار گذاشتند. در این موقع قوای جبهه متحد (جناح شورای نظار) بدون مقاومت و مشکل به کابل وارد شدند و بساط حکومت خود را در آن شهر بعد از تقریباً پنج سال گریز بار دیگر در کابل هموار کردند.

در مدت کمتر از دوماه در اثر عملیات هوائی و قسماً زمینی امریکا، رژیم طالبان در افغانستان از هم پاشید و قوای القاعده نیز پراکنده شد و اما بعضی مقاومت های محلی بخصوص در حواشی ولایات قندهار، هلمند، اورزگان و پکتیا جریان داشت. امریکائی ها از ورود قوای جبهه متحد، خاصاً قوای مسعود در کابل راضی نبودند، اما در برابر یک عمل انجام شده قرار گرفتند و سعی کردند به کمک ملل متحد و بعضی کشورهای اروپائی و با جلب تفاهم کشورهای همسایه در چارچوب فورمول (6+2) هرچه زودتر یک کنفرانس بین الافغانی را با یک ترکیب خاص و مطلوب خود دائر نمایند تا در مورد سرنوشت افغانستان و تشکیل یک حکومت مؤقت تصمیم اتخاذ دارند. این کنفرانس به اشتراک

د پانو شمیره: له 2 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

نمایندگان چهارگروپ سیاسی افغان بتاريخ اول قوس 1380 (21 نوامبر 2001م) در "پیتزربرگ" در حواشی شهر بن جمهوری اتحادی آلمان دائر شد که منتج با امضای یک موافقتنامه گردید.

موافقتنامه بن و تشکیل حکومت مؤقت:

با در نظر داشت نقش ملل متحد برای پر کردن خلای قدرت پس از سقوط طالبان در افغانستان، آقای لخدرا ابراهیمی - نماینده خاص سرمنشی ملل متحد در امور افغانستان که مدتی خود را از مسائل دور گرفته بود، دوباره وارد صحنه فعالیت گردید. اولین قدم همانا تدویر اجلاس مورخ اول اکتوبر 2001 در روم در منزل شخصی پادشاه سابق بود. در این مجلس طرفین روم و نمایندگان جبهه متحد به تفاهم رسیدند که در مورد تدویر لویه جرگه اضطراری با امتیاز مساوی (60 نفر از هر طرف) اقدام نمایند تا بدانوسیله یک بدیل ائتلافی (روم و جبهه متحد) را بجای طالبان به وجود آورند. موضوع وقتی جدی گردید که طالبان بتاريخ 12 نوامبر بطور غیر مترقب کابل را ترک کردند و قوای جبهه متحد به آن شهر وارد شدند. بروز 13 نوامبر ابراهیمی یک پلان پنج فقره ای را که شباهت بسیار به پلان سه فقره ای پادشاه سابق داشت، به شورای امنیت ملل متحد ارائه کرد و برطبق آن خواهان تشکیل یک حکومت با قاعده وسیع و متشکل از اقوام مختلف در افغانستان گردید. بعد از آنکه پلان مذکور به تائید شورای امنیت رسید، ابراهیمی برطبق آن از چارگروپ سیاسی افغان دعوت کرد در یک کنفرانس در شهر بن جمهوری اتحادی آلمان اشتراک نمایند و راجع به ایجاد یک بدیل تصمیم گیرند.

درباره ترکیب جناح های سیاسی شامل کنفرانس باید خاطر نشان کرد که این ترکیب اساساً متشکل از دوجناح اصلی یعنی روم و جبهه متحد و دوجناح فرعی مسما به قبرس و مجمع صلح و وحدت ملی بود که دوجناح فرعی بیشتر برای جلب خاطر ایران و پاکستان به دوجناح اصلی علاوه گردیدند. از جبهه شمال 12 نماینده، از روم 6 نماینده، از قبرس 3 نماینده و از مجمع صلح 3 نماینده رسمی در کنفرانس معرفی شدند (البته یک تعداد نمایندگان غیر رسمی به حیث مشاورین در هر حلقه نیز در کنفرانس اشتراک داشتند که تعداد شان به 37 نفر میرسد)

اجندای این کنفرانس که از تاریخ 21 نوامبر آغاز و بطور تشدید الی تاریخ 5 دسمبر 2001 در شهر بن جمهوری اتحادی آلمان ادامه یافت، قبلاً توسط ابراهیمی و به همکاری زلمی خلیزاد و گروپ مربوطه تهیه گردیده بود، بانظارت و ساطت آنها بشکل سیستماتیک طوری پیشبرد شد که اشتراک کنندگان مجبور شدند اختلافات ذات البینی را (عجالتاً) کنار گذارند و در تشکیل یک اداره مؤقت شش ماهه و متعاقباً یک اداره انتقالی دوساله بعد از جروبحث های زیاد بخصوص در مورد تقسیم کرسی های کابینه به توافق برسند. در اثر این تفاهم متن یک موافقتنامه که قبلاً به زبان انگلیسی تهیه شده بود، بتاريخ 15 قوس 1380 (5 دسمبر 2001) از طرف رؤسای هیئت های مربوطه در شهر بن به امضا رسید. به موجب این موافقتنامه که آغاز یک دوره جدید در افغانستان محسوب میشود، فیصله بعمل آمد تا:

- 1 - یک اداره مؤقت که متشکل از یک حکومت مؤقت، یک کمیسیون مستقل برای تدویر لویه جرگه اضطراری و یک ستره محکمه است، در افغانستان به وجود آید؛
- 2 - حکومت مؤقت که در راس آن یک رئیس قرار دارد، متشکل از پنج معاون و 24 وزیر خواهد بود که از طرف همین مجلس تعیین خواهد شد؛
- 3 - حکومت مؤقت بتاريخ 22 دسمبر 2001 زمام امور را از رژیم قبلی بدست خواهد گرفت و تا شش ماه بکار دوام خواهد داد؛

د پانو شمیره: له 3 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

4 - به مجرد انتقال رسمی قدرت به اداره مؤقت، قوای مسلح افغان و گروه های مسلح در کشور تحت فرمان و کنترل این اداره قرار خواهند گرفت و برطبق مقتضیات جاری امنیتی قوای مسلح دوباره تنظیم خواهد شد؛

5 - اداره مؤقت با جامعه بین المللی در راه مبارزه علیه تروریسم، تولید و قاچاق مواد مخدره و جنایات سازمان شده همکاری خواهد کرد و متعهد می باشد تا به قوانین بین المللی احترام گذارد و با کشورهای همسایه و باقی اعضای جامعه بین المللی مناسبات صلح آمیز و دوستانه برقرار کند؛

6 - کمیون 21 نفری مستقل برای تدویر لویه جرگه اضطراری که اعضای آن به پیشنهاد افغانها و تائید ملل متحد تا 22 جنوری 2002 تعیین خواهد شد، مکلف است الی دوماه بعد از آغاز کار، طرز العمل تدویر لویه جرگه را با جزئیات آن ترتیب و اعلام دارد و درختم مدت کارشش ماهه حکومت مؤقت، لویه جرگه اضطراری را دائر نماید؛

7 - لویه جرگه اضطراری یک اداره انتقالی را برای مدت جمعاً دو سال تعیین میکند که در راس آن رئیس دولت قرار خواهد داشت و این اداره مکلف است مسوده قانون اساسی را توسط یک کمیون مخصوص تهیه نماید و الی یک ونیم سال با تدویر لویه جرگه عنعنوی آنرا تصویب و با انفاذ آن در ایجاد یک حکومت انتخابی برای افغانستان اقدام کند؛

8 - با رویکار آمدن حکومت انتخابی بعد از دو سال فوق، اداره انتقالی جای خود را به حکومت انتخابی سپرده و خود منحل میشود و دوره عادی در افغانستان آغاز می یابد؛

9 - چوکات قانونی اجراءات در این مدت بر مبنای قانون اساسی سال 1964 استوار خواهد بود، البته با انصراف از موادی که مغایر به روحیه این موافقتنامه باشد.

موافقتنامه بر علاوه متن عمومی دارای چهار ضمیمه بود: ضمیمه اول مربوط به قوای امنیتی بین المللی، ضمیمه دوم درباره نقش ملل متحد، ضمیمه سوم راجع به توقعات اعضای افغانی مجلس از سازمان ملل متحد و ضمیمه چهارم مشتمل بر اسامی رئیس حکومت، معاونین و اعضای 24 نفری کابینه بود که همه از طرف اعضای افغانی مجلس بن البته با جار و جنجال زیاد تعیین گردیدند. در راس حکومت مؤقت بنابر توصیه و حمایت مقامات امریکائی حامد کرزی (منسوب به گروه روم) به حیث رئیس حکومت مؤقت برگزیده شد. باید خاطر نشان کرد که داکتر عبدالستار سیرت (رئیس هیئت نمایندگی روم) که کاندید دیگر این مقام بود، با وجود حمایت اکثریت قاطع اعضای مجلس روی دلائلی از موقف خود به نفع کرزی گذشت. (در این باره توضیحات بیشتر بعداً در ارتباط با انصراف شاه سابق از کاندید شدن برای ریاست اداره انتقالی از قول زلمی خلیل زاد در کتابش تحت عنوان "فرستاده" ارائه خواهیم کرد.)

صحبت های بعدی داکتر سیرت می رساند که این گذشت او کمتر رضا کارانه، بلکه بیشتر مبتنی بر درک موضوعی بود که امریکائی ها اساساً در نظر داشتند یک شخصیت مورد اعتماد خود را که منسوب بیکی از اقوام پشتون افغانستان باشد، به ریاست حکومت مؤقت بگمارند. طور معلوم آنها قبلاً قوماندان عبدالحق قوماندان معروف جهادی از ننگرهار و حامد کرزی از قندهار را برای این مقام در نظر گرفته بودند، چنانچه این دوشخصیت چند روز بعد از آغاز حمله قوای امریکائی بر طالبان بصورت غیر مترقب بداخل افغانستان اعزام شدند و کوشیدند در مقابل قوای نیمه متلاشی شده طالبان یکی در ننگرهار و دیگری در ارزگان به حمایت امریکائی ها داخل فعالیت شوند.

قوماندان عبدالحق در اثر بی احتیاطی خودش و نرسیدن کمک به موقع از جانب امریکائی ها بدام طالبان افتاد و شهید شد و حامد کرزی نیز که هیچگاه تجربه قوماندانی جبهه و امور نظامی را نداشت،

قریب بود به سرنوشت عبدالحق گرفتار شود، ولی بخت با او یاری کرد و توسط قوای امریکائی محافظش نجات یافت.

برطبق موافقتنامه بن بتاریخ دوم جدی 1380 (22 دسمبر 2001) مراسم رسمی انتقال قدرت از رژیم ربانی که چند هفته قبل مجدداً به کابل دست یافته بود، به حکومت مؤقت تحت ریاست حامد کرزی در کابل برگزار شد و حکومت جدید شروع بکار کرد.

تدویر لویه جرگه اضطراری:

برطبق فقره سوم موافقتنامه بن، مدت کار حکومت مؤقت فقط برای شش ماه تعیین گردیده بود. حکومت مؤقت وظیفه داشت که در ختم این مدت یعنی 22 جون 2002 لویه جرگه اضطراری را دائر کند تا جرگه مذکور یک حکومت انتقالی را برای جمعاً دوسال بوجود آورد و یکنفر را بحیث رئیس آن انتخاب نماید، همچنان برای ساختار و اعضای کلیدی حکومت انتقالی پیشنهادات لازم را ارائه دهد. حکومت مؤقت برطبق بخش چهارم فقرات 1 تا 5 موافقتنامه بن، باید در ظرف مدت یکماه کمسیون مستقل مخصوص برای تدویر لویه جرگه اضطراری را تأسیس و 21 نفر اعضای کمسیون مذکور را از بین اشخاص واجد صلاحیت علمی و اجتماعی به مشوره ملل متحد تعیین کند و آنها را جهت تدویر لویه جرگه اضطراری، انتخاب نمایندگان جرگه، نظارت و اجرای همه امور مربوط توظیف نماید.

بتاریخ 23 جنوری 2002 اعضای 21 نفری کمسیون بعد از تائید ملل متحد از طرف کرزی تعیین گردیدند که در راس آن محمد اسمعیل قاسمیار - سابق قاضی ستره محکمه گماشته شد، در جمله اعضا سه نفر خانم نیز شامل بودند. اولین کار کمسیون تثبیت تعداد مجموعی نمایندگان شامل جرگه بود که جمعاً به 1501 نفر رسید. از 391 ولسوالی کشور، به اساس اندازه نفوس هر ولسوالی (برطبق احصائیه تقسیمات نفوس در 20 سال گذشته) باید 1051 نفر از طرف مردم با روش غیرمستقیم انتخاب می شدند و متباقی به اقشار مختلف جامعه اختصاص یافت، به این شرح که: اعضای حکومت و کمسیون لویه جرگه (جمعاً 53 نفر)، شخصیت‌های با نفوذ (20 نفر)، مؤسسات اجتماعی و فرهنگی (51 نفر)، شخصیت‌ها علمی و مسلکی (29 نفر)، مهاجرین ایران و پاکستان (100 نفر) بیجا شدگان (6 نفر) و سهمیه خاص طبقه اناث 100 زن که در مجموع به تعداد 160 نفر نمایندگان را زنان تشکیل میدادند.

جریان انتخاب نمایندگان بهر شکل که بود، انجام یافت و لویه جرگه اضطراری بتاریخ 10 جون 2002 (21 جوزا 1381) بعد از سه باز تعویق درخیمه مخصوص در ساحه پولیتختیک کابل توسط بیانیه اعلیحضرت پادشاه سابق گشایش یافت و تا 16 جون دوام کرد. طی اجلاس اول محمد اسمعیل قاسمیار با کثرت آراء به حیث رئیس لویه جرگه انتخاب شد و از جمله کاندید ها برای دو کرسی معاونیت، یکی داکتر سیما سمر به حیث معاون اول و داکتر اعظم دادفر به حیث معاون دوم به اکثریت آرای لویه جرگه برگزیده شدند.

حامد کرزی - برنده انتخابات:

یکی از وظایف عمده لویه جرگه اضطراری انتخاب رئیس حکومت در دوره انتقالی بود که جمعاً سه کاندید برای این مقام خود را معرفی کردند: حامد کرزی - رئیس موجود حکومت مؤقت، داکتر مسعوده جلال طبیب و یک چهره قبلاً ناشناخته در کشور وانجنیر میرمحموظ ندائی - یک تکنوکرات

د پانو شمیره: له 5 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

که در دوره های مختلف طی چند دهه اخیر در مقامهای بلند وزارت معادن و صنایع ایفای وظیفه کرده بود.

انتخاب رئیس حکومت در دوره انتقالی بروز 13 جون بعد از ایراد بیانیه های سه کاندید مبنی بر معرفی خط مشی شان با مراجعه به آرای نمایندگان مجلس صورت گرفت و در نتیجه رأی گیری: حامد کرزی با 1295 رأی به حیث رئیس حکومت انتقالی انتخاب شد، در حالیکه داکتر مسعوده جلال 171 رأی و میرمحفوظ ندائی فقط 89 رأی بدست آوردند. به این اساس حامد کرزی به حیث رئیس حکومت انتقالی به اکثریت قاطع آرای لویه جرگه برگزیده شد.

در رابطه با تعیین کابینه جدید 29 عضوی کرزی، مایوسیت عده ای از نمایندگان و مردم کشور از تقرر مجدد اکثر اعضای کابینه قبلی بیشتر شد، زیرا مردم بطور کل در این زمینه انتظار یک تحول عمده را داشتند. اکثر مردم اینکار را بیشتر ناشی از مداخلات بیش از حد زلمی خلیلزاد میدانستند که با زهم قدرت را مثل سابق به جناحهای همکار قوای نظامی امریکا حین سقوط طالبان یعنی جبهه متحد شمال سپرد.

کاندید شدن یک زن برای مقام ریاست دولت - یک رویداد تاریخی:

از جمله سه کاندید برای مقام ریاست حکومت انتقالی، یکی هم خانم داکتر مسعوده جلال بود که در واقع با قبول کاندید شدنش از طرف لویه جرگه یک مانع و یک سنت در کشور شکست و برای نقش زنان در آینده امیدواری زیاد پیدا شد. داکتر مسعوده جلال در سال 1342 (1963) به گفته خودش در یک خانواده منور تحصیل یافته و متوسط الحال متولد گردید، بعد از فراغت از مکتب به پوهنخی طب معالجوی کابل شامل و در سال 1367 از آنجا فارغ شد. موصوفه به حیث داکتر در چند شفاخانه کابل کار کرد و نیز عضویت کدر علمی پوهنخی طب را حاصل نمود. او مدت کوتاه با مؤسسه نسوان و بعداً با کمشنری عالی ملل متحد برای مهاجرین به همکاری پرداخت.

اینکه آیا در یک نظام اسلامی یک زن میتواند به حیث رئیس دولت انتخاب شود، سؤالی بود که قبلاً در سمینارهای بنام "فردای افغانستان اسلامی" منعقده پشاور در سال 1369 (1990) مطرح بحث قرار گرفت و نظریات مختلف در زمینه ابراز گردید. باید گفت گرچه در اکثر کشورهای اسلامی چنین ممانعتی برای زنان وجود ندارد، ولی در برخی دیگر کشورهای اسلامی از جمله عربستان سعودی، ایران و کشورهای خلیج زنان از این حق محروم اند. در افغانستان نیز با نفوذ محافظه کاران مذهبی از یکطرف و رعایت اصول عنعنوی و پشتونوالی از طرف دیگر ترس از این بود که مبادا همچو ممانعت مطرح شود و یا سکوت قانونی مشکلات بعدی را بوجود آورد. لذا گردانندگان امور خواستند با ورود یک کاندید زن در لویه جرگه اضطراری احتمال این محدودیت را عملاً از بین بردارند. بر طبق خواستهای جامعه مدنی که در موافقتنامه بن بطور واضح در مورد احترام به تعاملات بین المللی حقوق بشر، عدم تبعیض جنسی و غیره انعکاس یافته بود، هم حکومت مؤقت کرزی هم نماینده ملل متحد و بخصوص مقامات امریکائی در کابل کوشیدند از بین زنان افغان یکی را با داشتن شرایط نسبتاً مساعد تشویق نمایند تا خود را برای این مقام کاندید کند، ولو که کمترین چانس را داشته باشد.

بعضی ها از خود می پرسیدند که چرا داکتر مسعوده جلال با فقدان سوابق کار سیاسی، اداری، جهادی و غیره حاضر به قبول نامزدی به چنین مقام ارشد گردید و چرا زنان سرشناس و قبلاً فعال سیاسی و

د پانو شمیره: له 6 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

اکثر با پشتوانه های محکم قومی مثلاً فاطمه گیلانی، سیما سمر، آمنه افضلی، صدیقه بلخی ویا یک شخصیت علمی مثل محبوبه حقوقمل ویا دیگران علاقمند چنین کارنشدند؟ این سؤالی بود که جواب آنرا میتوان از بعضی انگیزه ها در آنوقت بدست آورد. واضح بود زنان سرشناس مذکور که با حکومت مؤقت نیز همکار بودند، میدانستند موفقیت کرزی یک موضوع قطعی است و بناً نخواستند خود را به حیث رقیب ضعیف در برابر یک شخص دارای چانس قوی قرار دهند و شکست را یک صدمه به شهرت خود و نیز ازدست دادن چانس برای مقام های بعدی تلقی کردند. لذا باید شخصی حاضر به قبول همچو موقف می شد که در شکست انتخاباتی، نه تنها چیزی را از دست نمیداد، بلکه میتوانست امتیازات بعدی را حاصل کند و به یکبارگی از عالم گمنامی به اوج شهرت برسد و با کمی تحمل و دقت دروازه های پیشرفت سریع برویش باز گردد. احتمال داشت که تلاشهای زیاد از طرف مراجع افغانی و غیرافغانی در جستجو همچو شخص صورت گرفته باشد و در نتیجه از میان چند تن، یکی مسعوده جلال بود که جرأت و شهامت قبولی کاندید شدن به این مقام را از خود تبارز داد.

بهر حال اینکه چگونه موصوفه توانست به حیث کاندید دوم 171 رأی بدست آورد، درحالیکه کاندید سومی با وجود سوابق کار و احتمالاً افکار چپگرا فقط 86 رأی حاصل کرد، سؤالی بود که بعضی ها جواب آنرا به حمایت بیشتر وکلای زن از مسعوده جلال در لویه جرگه میدانند که تعداد شان جمعاً به 160 نفر میرسید، برخی دیگر از نقش جمعیت اسلامی به ارتباط شوهر او (فیض الله جلال از بدخشان که بین سالهای 1979 - 1980 در پلچرخ زندانی بود) صحبت میکردند. ولی به ادعای خود مسعوده جلال که زیادتین آرای حاصله را از جانب یکعده طرفداران شاه سابق (البته مبتنی بر یک حرکت احتجاجی علیه کرزی) دریافت کرده است، بیشتر محقق به نظر می آید.

مسعوده جلال در بیانیه 15 دقیقه ای که به مناسبت قبول کاندیدای خود در لویه جرگه اضطراری بیان کرد- درحالیکه سر و موهای خود را با یک چادر رنگ روشن پیچیده بود، گفت: «من یک خواهر شما هستم، از من خواستید تا خود را به زعامت دولت کاندید کنم، اینک نظر شما را قبول میکنم» و افزود: «زنان افغان قهرمانان هستند؛ آنها به جهان اعلام میدارند به همان مشکلات شدید که طی پنج شش سال گذشته در خانه مجبور به اقامت شدند و آنرا تحمل کردند، اکنون آنها نمونه زنده از رنج هایی اند که ملت و مردم افغان با آن مواجه بوده اند، لذا زنان با این شکیبائی میتوانند افغانستان را نجات دهند و دنیا باید به آنها اعتماد کند.» او گفت: «وقتی میدیدم که مردم ما طی 23 سال رنج می بردند و از فقر جان میدادند، من همیشه به این سؤال فکر میکردم که چگونه میتوان از این مشکلات رهایی یافت؟ حالا که این زمینه میسر شده است، من یک زن افغان هستم و اهلیت زعامت کشور خود را دارا میباشم، دیگر همه چیز مربوط شما است». (برگرفته از متن انگلیسی گزارش "یورایشیا - نت" مورخ 17 جون 2002)

با وجود همه مشکلات و تبصره ها، میتوان گفت که لویه جرگه اضطراری یک رویداد تاریخی بود که در آن بیشترین نمایندگان در تاریخ لویه جرگه های کشور اشتراک داشتند و اولین لویه جرگه ای بود که به تعداد 160 نفر وکیل از طبقه انات در آن سهم بودند. این جرگه همچنان یک درس بزرگ برای جلسات بعدی بود که باید از تجارب حاصله آن در آینده لازم بعمل می آمد و نیز بعد از چند دهه بار دیگر یک فرصت نیک بود که به مردم افغانستان مژده امید به آینده را میداد.

نکته بسیار جالب و مهم در لویه جرگه صراحت بیان عمومی 160 نفر زنان نماینده بود که توجه مردان را نیز بخود جلب کرد. در گزارش نشریه "یورایشیا-نت" مورخ 17 جون 2002 که

از جریان اجلاس لویه جرگه خبر میداد، حاکی از آن بود که: «دراثنای وقفه مجلس، جمعیت انبوه مردان در اطراف زنان سرشناس مجلس تجمع میکردند و نظر آنها را در مورد جریان رویدادهای مهم روز جویا می شدند». یکی از مردان به گزارشگر گفت: «زنان را در اینجا بسیار صبور و قابل اعتماد یافتیم. اگر یک زن به حیث رهبر انتخاب شود، افغانستان با سرعت زیادتر ترقی خواهد کرد.» ثریا بهادری – یکی از وکلای زن ضمن انتقاد بر روند مباحثه روی مسائل مورد بحث مجلس گفت: «ما اینجا آمده ایم که بهترین شخصیتها را برای حکومت خود انتخاب کنیم، متأسفانه وقت بیشتر به مسائل گذشته صرف میشود.» بسیار از زنان در مجلس موضوعات حساس سیاسی را با متانت زیاد مطرح کردند، یکی انتقاد داشت که: «چرا سرود ملی مربوط دوره ربانی را که یک رژیم منحط بود، در آغاز مجلس پخش کردند؟»، دیگری گفت: «چرا جنگ سالاران در این مجلس حضور دارند؟» و بسوی سیاف اشاره کرد و گفت: «دستهای ما زنان به خون الوده نیست این مردان اند که به کشتار یکدیگر دست زده اند و آنها اند که از یکدیگر می ترسند». مردان نیز خاموش نبودند آنها نیز اعتراضهای جدی داشتند. یکی از وکلای مرد که از کتربود به گزارشگر گفت: «قرآن مجید ریاست زن را در کشور منع کرده است» و مرد دیگر این مطلب را به گونه دیگر مطرح ساخت: «من میخواهم خانم به ریاست دولت انتخاب شود، لکن موضوع اطفالم چطور میشود وقتی او به سفر برود من چگونه بگذارم خانم با مردان همراه باشد و تکلیف شرعی من چطور میشود؟ (دیده شود: مقاله حلیمه کاظم : "زنان افغان – صاحب صدای سیاسی"، منتشره "یورایشیا - نت"، مورخ 17 جون 2002 بزبان انگلیسی)

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 8 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکې په خیر و لولئ